

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۷۲ - ۵۱

کنکاشی زیباشناسانه بر خطابات قرآن کریم

محمد طاهری گندمانی^۱

محمد رضا حاجی اسماعیلی^۲

مهدی مطیع^۳

چکیده

قرآن کریم با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و لطایف سخن از جانب خداوند تعالی به منظور هدایت بشر بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. این کتاب شریف بعنوان معجزه بیانی خداوند دارای مولفه‌های زیبایی‌شناختی فراوانی می‌باشد. خطاب و خطابات الهی بکار گرفته شده در قرآن کریم از نظر ساختار، معانی و اهداف آنها و همچنین صنایع زیبای ادبی بکار گرفته شده در این زمینه از جمله این موارد می‌باشند. نوشته حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از آیات الهی و مطالب و نظرات اندیشمندان میان رشته‌ای به این سوال پاسخ دهد که نقش زیباشناختی خطاب و خطابه در قرآن چیست، چه ویژگی‌ها و چه نتایج و تاثیراتی بر مخاطبین دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این است که قرآن کریم از خطابه و عناصر و ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی آن در کنار بسیاری مولفه‌های زیباشناختی بیانی قرآن جهت ایجاد حداکثر احساس و ادراک در مخاطبین و نهایتاً شکل‌گیری تاثیرات مورد نظرش بهره‌برداري نموده است.

واژگان کلیدی

خطاب، خطابات قرآنی، زیباشناختی، بلاغت.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: m.taherigandomani@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.hajiesmaeili@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: m.mota@ltr.ui.ac

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

طرح مسأله

قرآن کریم کتاب آسمانی نازل شده به سوی مسلمانان و معجزه ای از سنخ فرهنگ می باشد. این کتاب شریف صرف نظر از اعجاز مفهومی و ادبی، متنی زبانی نیز می باشد؛ بنابراین می تواند از زوایای مختلف مانند زبانشناسی و زیبایی شناسی نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یکی از مولفه های زیبایی در آیات آن خطابات می باشند. در آن اشیاء، اشخاص و حتی گروهای چند مورد خطاب خداوند واقع شده اند، این خطابها در مواقعی به صورت خاص و گاهی به صورت عام ذکر شده اند. در مواردی خطاب به اشخاص یا گروههای جاندار صورت گرفته و گاهی نیز مورد خطاب عناصر جانپندار می باشند که در کاربرد خطابه های الهی لطایف، نکات و ظرایف بسیاری قابل پیجویی می باشد. بدلیل این که همه متون مقدس و از جمله قرآن دارای ماهیتی تعلیمی می باشند، شنونده این متون و تأثیری که متن بر روی او می گذارد، دارای اهمیت بسیار زیادی است. بنابر این ضرورت پیجویی و کنکاش ماهیت خطابه و مولفه ها و ویژگیهای تاثیر گذار قرآن بر مخاطبین از نظر زیبایی شناختی اثبات می گردد. تحقیق حاضر درصدد است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی پس از انجام بررسی و تحقیقی گذرا بر خطابات قرآنی، این خطابات را از جنبه زیبایی شناختی مورد بررسی قرار داده و تاثیر این زیبایی را بر مخاطبین خویش مورد بررسی قرار داده و پاسخگوی این سول باشد که خطاب و خطابه الهی در قرآن چه نقش زیباشناختی دارد، مولفه ها و تاثیرات این خطابات زیباشناختی چه چیزهایی می باشند؟ نتایج حاصل از این پژوهش می تواند راهنمای قرآن پژوهان و مفسرین قرآن جهت شناخت، احساس و ادراک مفاهیم و مقاصد الهی باشد و در مطالعات زبان شناسی، سبک شناسی و بطور خاص در رابطه با زیباشناختی قرآن مورد توجه محققان رشته های مطالعات قرآنی، زبانشناسی و زیباشناسی این کتاب شریف قرار بگیرد.

پیشینه تحقیق

خطاب و خطابه در آثار قدما جایگاه و کاربرد مستقلی نداشته و بعضاً در حاشیه موضوعات دیگر به آن پرداخته اند، به عنوان مثال کتاب های «تنزیه الانبیا» سید مرتضی

(۴۳۶ ق) و «شفاء بتعریف الحقوق المصطفی» نوشته قاضی عیاض (۵۴۴ ق) را می توان ذکر کرد که قسمت هایی از کتب خویش را به بعضی از خطابه های خداوند به پیامبر اختصاص داده و نگاهی به سبک خطاب ها دارند. زرکشی (۷۹۴ ق) در البرهان فی علوم القرآن فصلی را به انواع خطاب ها در قرآن اختصاص داده و ضمن ارائه عناوین آنها به ذکر نمونه هایی از آنها بسنده نموده است، سیوطی (۹۱۱ ق) در کتاب معروف الاتقان اشاراتی گذرا و مختصر به وجوه مختلف خطاب نموده است. موضوع خطاب و خطابه از سوی متأخرین مورد عنایت واقع نشده و صرفاً در جاهایی مورد توجه علمای اهل سنت قرار گرفته و آثاری در این زمینه ارائه گردیده که اکثراً کم حجم و دارای مضامینی مشابه می باشند. بیشتر مطالب ثبت شده در این رابطه در قالب مقالات می باشد از جمله: «مخاطبان در متن در سه کتاب مقدس» (محسنیان راد و آشنا، ۵۳ / ۴۲-۱)، «اسلوب خطاب و نقش آن در تبیان معارف قرآنی» (معماری و غلام زاده، ۴ / ۲۶-۹)، «نداها و خطاب های الهی در قرآن» (نساچی زواره، ۶۷، ۵-۶۰)، رساله کارشناسی ارشد با نام: «تحلیل خطاب های یا ایها الذین امنوا با تأکید بر آموزه های اجتماعی» (قاضی عسکر، ۱۳۹۶)، و نهایتاً «زبان شناسی خطاب در قرآن» (شاهسوندی و خانه زاد، ۷۰، ۹۹-۸۲)، که با نظر بر آثار و تحقیقات تالیف یافته معلوم شد که اثری که خطاب و خطابات الهی و تاثیرات آنها را از دید زیبایی شناختی مورد بحث و تحلیل قرار داده باشد، یافت نشد. در پژوهش حاضر از زاویه ای متفاوت از آثار و تحقیقات پیشین به موضوع خطابات قرآن کریم پرداخته و سعی شده به شکل خاص و از دیدگاه زیبایی شناسانه با استناد و اتکای به آیات الهی به خطاب و خطابات الهی و مولفه ها و عناصر شکل گیری زیبایی و تاثیر گذاری این ویژگیها بر مخاطبین پرداخته شود.

مبانی نظری تحقیق

۱. خطاب و مخاطبه در لغت و اصطلاح

خطاب آن سخنی است که به صورت روبه رو به کسی گفته شود (عمید، ۲۱۳). واژه خطاب همچون مخاطبه و تخاطب در واقع به معنای بازگشت سخن می باشد (ابن فارس، ۱۲۴/۲ و ابن منظور مصری، ۱/۴۳۰). خطاب در اصطلاح عبارت است از «توجیه

الكلام الی حاضر»، یعنی سخن را متوجه شخص حاضر نمودن است، یا آن کلامی که بین شنونده و گوینده رد و بدل می شود (فیومی، ۳۲۴)، بنابراین منظور از خطاب در کلام سخن گفتن رو در رو با شنونده در قالب انشا و یا درخواست و یا خبر و گزارش می باشد. در ضمن در مخاطبه نزدیک مناجات و در مخاطبه دور ندا گفته می شود (زرکشی، ۳۲۴/۲)

۲. علوم بلاغی و زیباشناختی

با توجه به این که خطاب و خطابه کاربرد فراوان و تاثیرگذاری در امر بلاغت به عنوان یک محور مهم امر زیبایی و زیباشناختی دارند، یا به عبارتی خطاب و خطابه جزئی انفکاک ناپذیر از علوم بلاغت می باشد، ناچار به بررسی اجمالی این علوم می باشیم. علوم بلاغی شامل سه علم معانی، بیان و بدیع می شود و این علوم در زبان فارسی به منظور شناخت نظم و نثر فصحا و بلغا کاربرد دارد و در زبان عربی نیز جهت شناخت اعجاز قرآن کریم بوجود آمده است. مباحث بلاغت و نقد ادبی در کتب عربی پیشینیان به شکل مختلط نوشته شده است، لیکن بعدها همین نوشته‌های مختلط در قالب تألیفات و کتبی مستقل در باب صور و اشکال بیان و اعجاز قرآن کریم درآمده است. اولین قدم را در باب علوم بلاغی سه گروه متکلمان، مفسران و ادیبان برداشتند، چرا که آنان سعی داشتند اثبات نمایند که قرآن کلام خداوند و معجزه جاویدان می باشد و آن دلیلی استوار بر صدق دعوی نبوت پیامبر اکرم می باشد.

در طی قرون گذشته تألیفات زیادی در رابطه با این موضوع انجام شده است که از جمله آنها می توان به «معانی القرآن» از فراء (م ۲۰۷)، «مجاز القرآن» اثر ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹ یا ۲۱۰)؛ «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبه (م ۲۷۶) اشاره نمود. محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ه) در تفسیر خویش «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» نیز مطالب مفیدی در این خصوص عنوان نموده است، از دیگر قدما ابوالحسن علی بن عیسی ملقب به رمانی (م ۳۷۴ ه) نیز رساله معروف خود را به اسم «النکت فی اعجاز القرآن»؛ نگاشته است (علوی مقدم، ۴۷، ۱۶۵-۱۵۸). مهم ترین نظر در این خصوص توسط دانشمند بزرگ خطابی (۳۸۸ق) بیان گردیده است. ایشان بلاغت قرآن و در نتیجه اعجاز آن را در معانی عالی و اسلوب محکم و استوار و تأثیرش در نفوس و اذهان دانسته و از تأثیر آیات قرآنی در قلوب

غفلت ننموده است. (خطابی، ۲۸) و از دانشمندان متاخر تر عبدالقاهر جرجانی نیز در باب بلاغت و زیبایی های حاصل از بلاغت جاری در قرآن کریم نظریه کاملاً ابداعی و جدیدی ابراز نموده است. ایشان در این رابطه گفته است که بلاغت قرآن به معنای آوردن الفاظ متلائم با معانی متناسب می باشد که در عین حال در اذهان شنونده تاثیر داشته باشد (جرجانی، ۲۵۶-۲۵۴) و از همه معروف تر مفسر و قرآن پژوه معاصر سید قطب که اوج علوم بلاغت در آثار ایشان متجلی می باشد.

قرآن کریم در سخن گفتن از شیوه ها و فنون محاوره بین تمامی انسان ها در کل زمین بهره گرفته است. در سخن گفتن و رساندن مقصود و هدف خویش از همه ابزار از جمله موعظه، برهان، جدل، استعاره، تمثیل، تشبیه و ... کمک گرفته است. خداوند تعالی در واقع زیبایی فنون سخن را در حد اعلا به کار گرفته است (احمدی، ۲۴۳). از جمله این زیبایی ها کاربرد صحیح و زیباشناسانه خطابات در آیات الهی است. خطابات آن که شامل افراد، گروهها و در مواقعی به اشیاء بی جان می باشد، بسیار استادانه و لذت بخش به آنها جان و گاهاً شخصیت بخشیده و این زیبایی را در قالب خطاب به مخاطبین منتقل نموده است.

۳. زیبایی، زیباشناسی

زیباشناسی علم بررسی و کشف علل و عوامل انبساط نفس بشر و انفعالات احساسی درونی و باطنی انسان و همچنین شناخت به منظور جلب توجه در قالب دانش هایی چون هنر و روانشناسی است. زیباشناسی قرآن کریم، شناسایی جمال و هنر کلام و بیان قرآن و کشف و استخراج علل و عوامل تاثیرگذار در انفعالات احساسی درونی و باطنی بشر و کشش به سوی آن می باشد. نظریه پردازان مبانی و اصول این زیباشناسی را به گونه های مختلف عنوان نموده اند. اکثراً معتقدند که پیش فرضها و نگاههای بنیادین شناخت مهمترین مبانی و اصول زیبایی قرآن می باشند. برخی از قرآن پژوهان در بررسی و معرفی عامل زیبایی قرآن کریم بر فصاحت و بلاغت قرآن کریم تاکید نموده و آن را وسیله جذب و کشش در آن دانسته اند، برخی نیز به عوامل دیگر اشاره نموده اند، آنچه در اینجا مسلم است این که این کشش و انبساط به عوامل گوناگونی بستگی دارد و نمی توان تنها به

عواملی محدود همچون زیبایی واژه‌ها و کلمات و یا نوع به کارگیری الفاظ یا فصاحت و بلاغت آن بسنده نمود و تحریک عقل و تخیل و تمایلات عالی انسانی را نسبت به این کتاب مقدس به یک جهت مشخص محدود نمود. از دیگر امور مسلم این که ایجاد لذت و انبساط و شوق در اثر خواندن و شنیدن است، تا جایی که می‌توان تغییر نمود که شناخت زیبایی قرآن در حقیقت درک کردنی و وصف‌ناشدنی است. خطابات الهی در قرآن کریم نیز از این قاعده مهم مستثنی نیستند. نوع خطابات با شکل و شمایل و ساختاری که دارند بعلاوه آن معنا و اهدافی را که دنبال می‌نمایند، خود از عوامل زیبایی در این کتاب الهی محسوب می‌شوند.

در دین مبین اسلام معروف آن است که حسنش به واسطه عقل یا شرع شناخته شده باشد. در قرآن کریم بیان شده است «وَقُلْنَا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲) یا آیه شریفه: «قُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳). به این معنا که کلام همراه با ادب القاء شود، همان طور که در حدیث از امام علی (ع) است: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ، زِيَا سَخَنَ بَكُوَيْدَ تَا پَا سَخَ زِيَا بَشْنُوَيْدَ» (محمّدی ری شهری، ۴۵۱) و همچنین پیامبر اکرم (ص) که فرموده اند: «زیبا خطاب کنید تا جواب زیبا بشنوید» (آمدی، ۶۸). سخن زیبا و بالطبع خطاب مرهون اموری همچون به کارگیری واژه‌های خوب همراه با خطابات ملایم است، نمونه قرآنی خطاب به عام و کلی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» (حجرات: ۲) می‌باشد. مورد دیگر رعایت احترام مخاطب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِّلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۰۴)، عنوان شده است. در همه موارد فوق زیبا سخن گفتن و با رعایت ادب دیگران را مورد خطاب قرار دادن از ضروریات دین و جزو توصیه‌های قرآن کریم می‌باشد و از نظر احساس و ادراک زیباشناسانه در انتقال مطالب به مخاطبین قابل پیجویی می‌باشد.

انواع خطاب در قرآن

در رابطه با تقسیم بندی خطابات قرآن نظرات مختلفی بیان شده است. هر شخص یا گروهی تلاش نموده بنا بر عقاید و سلیقه خویش آنها را تقسیم بندی نماید. در ادامه سعی

می نماییم بطور اجمال بنا بر اقتضای بحث و موضوع سخن به مواردی از آنها اشاره نموده و نتایج مورد نظر را احصاء نماییم.

عده ای معتقدند که خطابات قرآنی به دو نوع خطابات گزارشی و غیر گزارشی تقسیم می شوند. خطابات گزارشی را آن دسته از خطابات می دانند که با نقل قول از خداوند تبارک و تعالی با عباراتی همچون «قال الله» و یا «قلنا» و نظایر این عبارات بیان شده اند و خطابات غیر گزارشی خطابات هاستند که در ساختارشان عبارات واسطه ای و میانجی بکار نرفته است. برای تبیین موضوع به دو آیه ذیل اشاره می نماییم. از جمله خطاب گزارشی: «قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بِكَلامِي» (اعراف: ۱۴۴) و خطاب غیر گزارشی: «يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (طه: ۸۰). در آیه اول لفظ قال قبل از عبارت خطاب آمده و میانجی و واسطه گردیده است، در صورتی که در آیه دوم دیگر گزارشی با عبارات واسطه مثل قال یا يقول و نظایر آنها وجود ندارد.

عده ای دیگر خطابات را به دو دسته بسط پذیر و بسط ناپذیر تقسیم نموده اند. خطاب های بسط پذیر به به فرد خاصی محدود نمی شوند، بلکه گروه های هم‌نوع را مورد خطاب قرار می دهند. این نوع خطاب را می توان در موارد زیر پیجویی نمود: ۱- گروهی از مردم ۲- مخلوقات ماوراء طبیعی ۳- اشیاء جانپندار. برای مورد اول آیه زیر را می توان عنوان نمود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ» (طه: ۸۰). برای مورد دوم که مورد خطاب واقع شده اند: «وَيَوْمَ يَخْشَوْنَهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ» (انعام: ۱۲۸)، قابل ذکر است. و از نوع خطاب به اشیاء جانپندار: «وَيَوْمَ يَخْشَوْنَهُمْ وَ مَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قِيْقُولُ أَ أَنْتُمْ أَضَلُّتُمْ عِبَادِي هُوَ لَاءَ أَمْ هُمْ صَلُّوا السَّبِيلَ» (فرقان: ۱۷)، آیه ای گویاست که در آن خطاب به بتها شده که در حقیقت اشیاء می باشند، اما بعنوان موجودات جاندار فرض شده و مورد خطاب واقع شده اند. این نوع خطاب که با کمک صنایع ادبی شکل گرفته در حقیقت دارای زیباترین نوع خطاب می باشد. از این نوع خطاب موارد زیادی می توان در آیات الهی پیجویی نمود که در ادامه به بعض آنها اشاره می شود.

دسته دوم یعنی خطابات بسط ناپذیر، که این نوع خطاب بصورت خاص شامل

هویت های منحصر به فرد می شود که عبارتند از:

۱. اعلام

این نوع خطابات شامل اسامی خاص و یا اعلام در مورد قدیسان، پیامبران الهی غیر از پیامبر اکرم (ص) و ابلیس می‌شود. از جمله خطاب به ابلیس در آیه: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ» (حجر: ۳۲). خطاب به قدیسان و پیامبران نیز آیه: «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ.....» (بقره: ۳۳)، «وَاذْكُرْ آدَمَ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ.....» (بقره: ۳۵) قابل ذکر می‌باشند که در هر دو خطاب به حضرت آدم (ع) شده است. خطاب به حضرت نوح (ع) آیه: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (هود: ۴۶)، گویاترین نمونه است. خطاب به حضرت موسی (ع) در آیات زیادی آمده، از جمله: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى» (طه: ۱۱)، و داود (ع): «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶)، ابراهیم (ع): «وَإِذْ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ» (صافات: ۱۰۴)، زکریا (ع): «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى» (مریم: ۷)، یحیی (ع): «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم: ۱۲) و عیسی (ع) در آیه: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَوَقَّيْكَ وَرَافِعُكَ إِلَى.....» (آل عمران: ۵۵). در آیات الهی بیشتر از همه انبیاء، حضرت موسی (ع) مورد خطاب واقع شده است.

۲. عناصر جان پندار

گاهی مواقع خداوند در قرآن کریم موجودات بی‌جان را بمثابه انسان مورد خطاب قرار می‌دهد. در مواقعی آنها را دارای صفاتی دانسته و حتی در مواقعی هم آنها را مکلف به انجام وظایفی می‌داند. بدین ترتیب این موجودات به تمام معنا شخصیت می‌پذیرند و جان می‌گیرند. در بعضی جاها هم در میان خطاب‌های بسط‌ناپذیر این گونه خطاب‌ها را می‌توان مشاهده نمود، با اذعان به این نکته که تمامی خطابات قرآن از نوعی کیفیت و حس زیبایی شناختی برخوردار می‌باشند، این مورد با توجه به این که از بلاغت بیشتری برخوردار است، نمایانگر اوج زیبایی و کمال می‌باشد. با نظر به تعاریف چنین بدست می‌آید که جان‌بخشی ایجاد شخصیت یا تجسم بخشیدن به یک صفت یا یک کیفیت انتزاعی خاص و یا نسبت دادن صفات انسانی به اشیاء بی‌جان است. برای مثال آیه: «وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَنْتُمْ أَصْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ» (فرقان: ۱۷)، همه‌ی معبودهای دنیوی مشرکان را در روز قیامت مخاطب ساخته است. از جمله

موجودات مورد خطاب جانپندار در قرآن عناصر هستی نظیر زمین و آسمان، کوه‌ها و پرندگان، آتش و گاه‌آ یک عنصر ماوراءطبیعی مثل جهنم را می‌توان برشمرد که خداوند در قرآن همانند انسان‌ها آنان را مورد خطاب قرار داده است. از جمله شاخص‌ترین آیه که دارای صناعات ادبی فراوانی در تبیین بحث زیباشناختی می‌باشد آیه: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود: ۴۴) است. این آیه را بسیاری از اهل فن نمایان‌گر اوج اعجاز ادبی قرآن می‌دانند. حسن عرفان در کتاب «اعجاز قرآن کریم» برای این آیه شریفه که ماجرای فرجام یافتن طوفان نوح را بازگو نموده، بیست و سه صنعت ادبی را برشمرده است (عرفان، ۸۷)، از جمله در عبارت «یا ارض ابلعی» صنعت استعاره بکار رفته و آن بدین‌گونه که «ارض» به حیوان بلعنده تشبیه شده و بلعیدن که از ویژگی‌های حیوانات می‌باشد برای ارض یا زمین به عاریت گرفته شده است و همچنین در عبارت «یا سماء اقلعی» نیز استعاره بالکنایه به کار گرفته شده و بیان و کاربرد خطابات در اوج زیبایی از ویژگی‌های منحصر به فرد این آیه است (خرقانی، ۲۳۸-۲۳۷). شکوه و زیبایی این آیه از این جهت است که با استفاده از صنایع مختلف ادبی اشیاء را دارای ویژگی‌های موجودات زنده فرض نموده و آنها را مخاطب خویش ساخته و تمامی الفاظ آن از جهت معنا با همدیگر دارای ارتباط و هماهنگی زیبایی می‌باشند، کلمات دارای نظم و چینش ستودنی هستند و همین چینش و نظم برای این آیه مزیت قابل‌ذکری می‌باشد.

از جمله عناصر دیگر که قرآن کریم آنها را بعنوان موجودات یا اشخاص مورد خطاب قرار داده به قرار زیر می‌باشند، که فقط به ذکر آنها همراه با نمونه آیه یا آیات و توضیحی مختصر بسنده می‌کنیم:

کوه‌ها و پرندگان: «يَا جِبَالُ أَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَنَا لَهُ الْخَدِيدُ» (سبا: ۱۰). ذیل این آیه در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «حضرت داود به سوی دشت و بیابان خارج شد و هنگامی که زبور را تلاوت می‌کرد هیچ کوه و سنگ و پرنده‌ای نبود مگر این که با او هم صدا می‌شد» (فیض کاشانی، ۳/ ۳۴۹). علامه طباطبایی در این رابطه گفته است: «در این جمله خطاب‌هایی که به کوه‌ها و مرغان شده است که به آن خطاب مسخر شدند، با چنین

خطابی کوهها و مرغان را مسخر وی کردیم» (طباطبایی، ۱۳/۱۵۴).

آتش: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ» (انبیاء: ۶۹)، خطاب با «یا نار» در حقیقت به معنی «جعل» یا قراردادن است، به معنای «جعلنا النار بردا و سلاما»، یا مانند «كُونُوا قَرْدَةً» در رابطه با اصحاب سبت، به این معنا که «جعلناهم قردة»، چرا که آتش قابل خطاب نیست، لکن در جاهای زیادی بیان گردیده است. (طیب، ۹/۲۰۸). صاحب انوار التنزیل گفته که در آیه فوق نوعی مبالغه وجود دارد و آتش را مستوجب قوه امر به اطاعت امر خود قرار داده است (بیضاوی، ۴/۵۵).

جهنم: «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ» (ق: ۳۰)، در آیه خطابی است از خدای تعالی به جهنم و پاسخی است که جهنم به خدا می دهد، یا این که خطاب در حقیقت به خازنان جهنم است، جواب هم جواب ایشان می باشد، هر چند که به ظاهر آن را به جهنم نسبت داده، ولی این خلاف ظاهر است، و حمل بر خلاف ظاهر وقتی صحیح است که قرینه و دلیلی در کلام باشد (طباطبایی، ۱۸/۵۲۹).

این نکته نیز قابل ذکر است که در قرآن کریم آیاتی نیز وجود دارد که در آنها خطاب به موجود یا موجوداتی با اصطلاح «شیء یا امرأ» شده است. در این آیات خطاب به واسطه «کن، فیکون» شده و امر به شدن است و فوراً اتفاق می افتد: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل: ۴۰).

۳. خطاب افراد ناشناس

همان طور که پیش از این نیر اشاره شد تعدادی از آیات قرآن کریم بعضی از افراد را بدون این که نام آنها را ذکر نماید، مورد خطاب قرار داده است. این افراد مورد خطاب شامل پیامبران، قدیسان و یا افراد دیگر می باشند که از طریق سه عامل قابل تشخیص می باشند. این سه عامل تشخیص عبارتند از:

الف- بافت کلام: از آیات و مطالب پیرامون آن پی به مورد خطاب می بریم، مانند آیه: «از كُنْ بِرَجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ» (ص: ۴۲)، که در اینجا با توجه به آیه قبل آن متوجه می شویم که مخاطب آن حضرت ایوب (ع) می باشد.

ب- عناوین: تشخیص مورد خطاب از طریق عنوان مانند آیه: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ

أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي» (قصص: ۷) می باشد و یا آیه «قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّمَا أَنْتَ تُعَذِّبُ وَإِنَّمَا أَنْتَ تَتَّخِذُ فِيهِمْ حُسْنًا» (کهف: ۸۶)، که با نظر به آیات و دقت در آنها معلوم می شود که در آیه اول با نظر به عناوین ذکر شده مخاطب آن مادر حضرت موسی (ع) و رفع نگرانی از ایشان در رابطه با فرزندش حضرت موسی (ع) است. همچنین به همین صورت از آیه دوم بدست می آید که عناوین آیه حاکی از این است که مخاطب ذوالقرنین و برخورد ایشان با گروهی از مردم پیرامون او می باشد.

ج- شأن نزول: بعضی از افراد در قرآن کریم بطور ضمنی ذکری از آنها شده است، لیکن بطور صریح نامی از آنها برده نشده است. تنها راه برای این که در این آیات افراد و مخاطبین آنها را شناخت، مراجعه به شأن نزول آنها است. از جمله: «أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ * ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ» (قیامت، ۳۵-۳۴) می باشند. «أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ» تهدیدی از سوی خداوند است و خطاب به ابو جهل است که سختیها و زشتیها سزاوار او و نزدیک به او است. و در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) دست ابی جهل را گرفت و به او فرمود که بدیها سزاوار تو، پس سزاوار تو است (طبرسی، ۲۶/ ۱۳۱). در اینجا مخاطب عبارات قرآنی با توجه به شان نزول مشخص گردیده است.

۴. خطاب نبوی

پیامبر اکرم با اینکه با نام اصلی مبارکش در قرآن مورد خطاب واقع نشده است، لیکن بیشتر از بقیه پیامبران الهی مورد خطاب قرار گرفته است و حتی نسبت به دو طبقه دیگر یعنی خطابات عام و خاص، این نوع خطاب از فراوانی بیشتری برخوردار می باشد. خطاب‌های نبوی بسیار متنوع می باشند. خداوند به جای این که پیامبر اکرم را با نام خطاب نماید، بعضاً با القابی همچون «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» مورد خطاب قرار داده است. در موارد زیادی نیز بدون اینکه حرف یا عبارت ندا یا خطابی بکار برده شود، از مفهوم و بافت کلام بدست می آید که پیامبر اکرم مورد خطاب واقع شده است.

بطور کلی خطابات نبوی به پیامبر اکرم به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند. در خطابات مستقیم فقط شخص پیامبر را مورد خطاب قرار داده است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده: ۶۷) و «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» (مدثر: ۱) و خطاب غیر

مستقیم به این صورت است که معمولاً ساختار ساده ای ندارد. این نوع خطاب به این شکل است که گویی پیامبر را به صورت نمادین مورد خطاب قرار می دهند. در آیه یا در بخشی از قرآن قرائتی وجود دارد که نشان از مخاطب یا مخاطبان واقعی دارد و نه مخاطب ظاهری آیه که پیامبر اکرم (ص) باشد. از این موارد می توان به آیه: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا» (اسراء: ۳۹) اشاره نمود. در اینجا درست است که آیه با خطاب به پیامبر بعنوان مخاطب وحی الهی شروع گردیده است، اما به نظر می رسد مخاطب آن حالتی کلی بوده و هرکسی را که قابل خطاب باشد، مخاطب خود قرار می دهد. در اینجا خداوند پیامبر را مورد خطاب قرار داده تا اهمیت موضوع را متذکر گردد، یعنی حتی پیامبر نیز اگر از دستورات الهی سرپیچی نماید، باید منتظر مجازات الهی باشد. باری همانطوری که بیان شد در این آیه پیامبر اکرم نمی تواند به معنای حقیقی مورد خطاب واقع شده باشد. (نجفی، ۱۰ / ۵۱).

خطاب های مستقیم و خاص پیامبر اکرم از نظر ساختار به چند گونه تقسیم می شوند:

الف: با استفاده از ابزار خطاب با الفاظ خاص آن حضرت، مانند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ» (احزاب: ۱). خطاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» ۱۳ بار در قرآن تکرار شده است. قالب مفسران فلسفه این خطابها را تشریف و تکریم پیغمبر اکرم و بزرگداشت منزلت ایشان عنوان نموده اند. اما این که خداوند پیغمبر را با نام مورد خطاب قرار نداده، دلیل بر فضیلت ایشان بر سایر انبیا عنوان شده است.

ب: با استفاده از ساختار نهی غایب: «فَلَا يَخْزُوكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَ مَا يُغْلِبُونَ» پس، گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می کنند، می دانیم» (یس: ۷۶). عبارت تورا اندوهگین نمی سازد، مورد نظر است.

ج: با استفاده از فعل امر و نهی مستقیم که بعضاً با استفاده از فعل امر «قل» می آید و بعضی اوقات هم با استفاده از سایر ساختار اوامر و نواهی آمده است. از این مورد می توان به آیه: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِلَيْكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف: ۴۳).

د: بدون استفاده از ابزار آلات خطاب و یا ساختار فعلی نهی یا امر مانند: «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوتُبَ» (کوثر: ۱).

در تقسیم بندی دیگری خطابات پیامبر به دو صفت تانیس و ملاطفت بیان شده است، همانگونه که در عرب متداول است، وقتی که کسی قصد ابراز لطف و ملاطفت دارد، مخاطب خویش را با اسمی که مشتق از حالتی که در آن است، مورد خطاب قرار می دهد. نخستین پیام های آسمانی در سوره های مزمل و مدثر حامل تعالیم و فرمانهایی به پیامبر اکرم بود. در سوره مزمل، به او انس و آشنایی با پدیده شب و بیداری و عبادت در آن، توکل بر خدا، صبر و شکیبایی و تلاوت اندیشمندانه قرآن و انذار مردم، بزرگداشت خداوند، طهارت نفس و دوری از آلودگی ها فرا می خواند و او را از منت بر مردم به جهت مقام نبوت و رسالتش باز می دارد (طباطبایی، ۱۲۲/۲۰). از بین تقسیم بندیهای انجام شده در رابطه با خطابات، آن تقسیم بندی که به بحث زیباشناختی از همه نزدیک تر می باشد، تقسیم بندی بر اساس سبک و آهنگ خطاب می باشد. در این تقسیم بندی خطابات قرآنی بر اساس سبک به چهار بخش تقسیم شده اند، در ادامه آنها با عنوان نمونه هایی از آیات الهی مطرح می شوند.

- ۱- خطباتی که طی آنها به مخاطب تسلی خاطر و آرامش داده می شود. از این نمونه آیات: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۱۳).
- ۲- خطباتی که طی آنها روشنگری و هدایت صورت گرفته است. مانند آیات: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰).
- ۳- خطباتی که حامل پند بوده و و عبرت آمیز می باشند «وَسَأَلْتَهُمُ عَنِ الْقُرْبَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ» (اعراف: ۱۶۳).
- ۴- خطابات هشدار دهنده که از این موارد است: «وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ» (یونس: ۹۵).

با نظر به آیات فوق این نکات به دست می آید که پیامبر اکرم بالاترین حد شفقت بر مردم و تحسر بر کفر آنها را داشته و این نیست مگر این که یک حس خوب و زیبایی برانگیز در وجود ایشان حاکم بوده است. همین طور در وجود شنونده و مخاطب نیز این حس زیبایی را ایجاد می نماید، پس بخش قابل توجهی از خطابات خداوند به پیامبر دارای سبک تسلی بخش می باشند و ایشان را توصیه به شکیبایی و آرامش نموده است و اینها

همه مصادق زیبایی می باشند که یکی از بهترین راههای انتقال حس زیبایی استفاده از خطاب و درگیر نمودن مخاطب از این طریق می باشد (طباطبایی، ۱۲/۲۷۷).

با بررسی متون مرتبط به خطاب و مخاطبین در آیات الهی، می توان عنوان نمود که بهترین و جامع ترین تقسیم بندی را در امر خطابات ابن جوزی داشته است (سیوطی، ۱۲/۶۵). ایشان خطابات را بر ۱۵ وجه بیان نموده و دیگران نیز مواردی را به آنها افزوده اند. در ادامه سعی داریم بطور مختصر به مواردی از آنها اشاره نماییم:

۱. خطاب عام که در این نوع خطاب مورد خطاب عموم مخاطبین هستند. از این جمله آیه: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ...» (روم: ۵۴).

۲. خطاب خاص، آن نوع خطایی که مراد از آن افراد خاصی مورد نظر باشد، مثل: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران: ۱۰۶).

۳. خطاب عام که منظور از آن خطاب افراد خاصی مورد نظر باشد، مثل: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» (حج: ۱)، که در این آیه کودکان و دیوانگان را شامل نمی شود و آنها از این خطاب استثناء می باشند. زیبایی این نوع خطاب به این جهت است که مورد استثناء را در ظاهر نیاورده است، چرا که ذکر آن باعث نوعی زدگی و ضعف در عبارت می نمود.

۴. خطاب خاص، منظور از این خطاب که در ظاهر خاص و به پیامبر اشاره دارد، در حقیقت عموم می باشند و این خود باعث زیبایی کلام گردیده است. از این مورد می توان به آیه ذیل اشاره نمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ» (طلاق: ۱)، در اینجا خطاب به پیامبر اکرم است، ولی هر کس را که بتواند طلاق دهد، شامل می شود.

۵. خطاب جنس، مثل «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» در آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا» (حجرات: ۱۳) که مراد، جنس مردم است نه هرفرد و در واقع اینجا غیر مکلف داخل در این خطاب واقع نمی شود.

۶. خطاب نوع، از این جمله آیه: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ

أَنِّي فَصَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۱۲۲) که خطاب به «یا بنی اسرائیل» مراد فرزندان یعقوب (ع) می‌باشند.

۷. خطاب به شخص معین که آن را خطاب عینی نیز می‌گویند، مانند: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (بقره: ۳۵). این خطاب نسبت به پیامبران همراه نام آنان است، مانند آیه ذکر شده و این نمونه: «يَا نُوحُ اهِبْ بِسَلَامٍ مِنَّا ...» (هود: ۴۸)، فقط در رابطه با پیامبر اسلام (ص) این موضوع متفاوت است. خطابات به آن حضرت با عنوان «یا ایها النبی» و «یا ایها الرسول» ذکر شده است و این به جهت عظمت و بزرگداشت مقام آن حضرت و شرافت خاص دادن به وی می‌باشد.

۸. خطاب همراه با ستایش: مانند «یا ایها الذین آمنوا» در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا نُؤْمِنُ بِمَا نُنزِّلُ وَأَسْمِعُوا» (بقره: ۱۰۴)، ابن مسعود نقل کرده است که هرگاه شنیدی خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا» گوش جان بسپار، چرا که آن یا خیری است که مورد امر واقع شده یا شری است که از آن نهی شده است. (سیوطی، ۶۵/۲).

۹. خطاب همراه با سرزنش، از این جمله آیه: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم: ۷)، می‌باشد. فقط دو مورد در قرآن به کافران خطاب شده است. در غیر آن دو مورد به صورت غایب از آنان یاد شده است. مانند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶).

۱۰. خطاب همراه با کرامت و بزرگ‌داشت، مانند «یا ایها النبی» در آیه: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۴).

۱۱. خطاب همراه با اهانت از جمله در آیه «قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (حجر: ۳۴) و «قَالَ اخْسُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُون» (مومنون: ۱۰۸).

۱۲. خطاب همراه با تکلم، مثل: «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان: ۴۹)

۱۳. خطاب به جمع با لفظ مفرد، مانند آیه: «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّفَكَ بَرِّكَتَ الْكَرِيمِ» (انفطار: ۶)، در اینجا مقصود جمیع انسانها هستند اما خطاب به شکل مفرد آمده است و این امر خود به سلیسی و زیبایی کلام انجامیده است.

۱۴. خطاب فرد با لفظ جمع مثل: «یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحاً»

(مومنون: ۵۱)، تا اینکه در ادامه می‌گوید: «پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار» (مومنون: ۵۴). در این آیه مورد خطاب پیامبر اکرم (ص) می‌باشد و دلیل آن نیز این است که پیامبر دیگری در آن زمان با پیامبر اکرم (ص) نبوده که قسمت دوم دستور به رها کردن به حال خودشان به او برگردد. همین‌طور پس از ایشان نیز پیامبر دیگری نمی‌آید.

۱۵. خطاب به یک فرد با لفظ تشبیه هم از دیگر انواع خطاب است: «**أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ**» (ق: ۲۴)، اینجا در حقیقت خطاب به خازن جهنم است. بعضی مخاطب را جمع و بعضی دیگر مفرد عنوان نموده‌اند. از جمله صاحب تفسیر جوامع الجامع اعتقاد دارند خطاب به یک فرشته می‌باشد به این اعتبار که مثنی بودن فاعل را به منزله مثنی بودن فعل قرار دهیم و گویی گفته شده «القی - القی»، ایشان همچنین می‌گویند که عربها بیشتر در سفرها همراهی دارند که با خود او دو نفر می‌شوند از این رو بیشتر بر زبانشان خطاب به تشبیه رایج است (طبرسی، ۱۶۸/۴).

۱۶. خطاب به یک فرد خاص، در صورتی که دیگران مقصود خطاب هستند: «**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ**» (احزاب: ۱)، در این آیه منظور امت پیامبر اکرم (ص) می‌باشند و دلیل این امر این است که پیامبر اکرم نه تنها متقی هستند، بلکه اصلاً شایسته‌شان ایشان نیست که از کافران پیروی نمایند. در اینجا خطاب در حکم تعریض و کنایه زدن به کفار و منافقین است.

۱۷. خطاباتی که عاطفه و عطف به همراه دارند، از این موارد آیه: «**قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ**» (زمر: ۵۳)، قابل ذکر است.

۱۸. خطاب به آنان که موجود نبوده‌اند یا نیستند و به تبع موجودین بعد از گذشت زمانهایی بعدا خواهند آمد، آن را خطاب معدوم نیز می‌گویند. این خطاب در صورتی صحیح است که به پیوست موجودی باشد مانند (یا بنی آدم) که خطاب به اهل آن زمان است و کسانی که بعد از آنها می‌آیند: «**يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ**» (اعراف: ۳۱)، در این آیه مخاطب آن همه انسانها از زمان نزول وحی و ابلاغ دستور پیامبر تا پایان عمر بشر را شامل می‌شود.

۱۹. خطاب دو تن بعد از فرد، از این موارد می توان آیه: «قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتِنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ؛ گفتند» (یونس: ۷۸) را عنوان نمود.

۲۰. خطاب به غیر که منظور از آن عین شخصی باشد. از این نمونه هم آیه: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء: ۱۰) بیان شده است. صاحب مجمع در این رابطه گفته که این خطاب بقوم عرب است که قرآن بزبان ایشان است (طبرسی، ۱۶/۱۰۲).

۲۱. خطاب ذم، در قرآن کریم بسیار اندک می باشد. و دلیل این امر این است که به نوعی متضمن اهانت می باشد. البته با توجه به مطالب عنوان شده در این مقاله این نکته نیز حاصل می شود که تمامی خطابات الهی از نوعی بلاغت و زیبایی در بیان برخوردارند، حتی در مواردی هم که خطاب در مقام ذم یا نکوهش آمده باز هم آن حس زیبایی و دلکشی خود را به همراه دارد و با ذم یا نکوهش های سخنان و کلام عادی دیگران متفاوت است. از جمله این آیات می توان به «قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» (مومنون: ۱۰۸) اشاره نمود.

۲۲. خطاب به دو تن با لفظ مفرد، از جمله مثال برای این نوع خطاب آیه: «قَالَ قَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى» (طه: ۴۹)، گفته شده که در اینجا منظور یکی از آنهاست و برای آن دو وجه عنوان نموده اند: یکی این که فرعون جهت یاد آوری پرورش دادن حضرت موسی (ع) او را به تنهایی مورد خطاب قرار داد، و وجه دیگر این که در حقیقت حضرت موسی ع صاحب رسالت بوده و هارون تبع او، پس بنابر این خطاب به او بر می گردد (سیوطی، ۱۱۴/۲).

۲۳. خطاب به شخص و سپس عدول به خطاب دیگری که این مورد را خطاب تلوین یا التفات نیز می توان نامید، در آیه قرآن ابتدا پیامبر اکرم ص را مورد خطاب قرار داده: «فَالْتَمَّ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ» در ادامه خطاب به کفار فرموده است: «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» و دلیل این امر هم قسمت پایانی آیه است: «فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (هود: ۱۴)

۲۴. خطاب به جمادات در قالب خطاب به کسی که دارای قوه عقل و اراده می باشد. از این جمله آیه: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱). آیات ۸ و ۹ سوره مبارک فتح نیز از همین قبیل خطابات استفاده نموده است.

۲۵. خطاب تهییج، مانند آیه: «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده: ۲۳)، نوعی تشویق و دلگرمی را در بر دارد.

۲۶. خطاب تعجیز، خطابی است که در آن طرف مقابل را به ناتوانی و عجز در نظر می‌گیرد. از این نمونه آیه: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ» (بقره: ۲۳)، می‌باشد.

۲۷. خطاب محبت نشان دادن، در این نوع خطاب گوینده به نوعی مخاطب خویش را مورد لطف و محبت خویش قرار می‌دهد: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم: ۴۲) و «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۱۶).

نتیجه گیری

یکی از ویژگیهای ممتاز و منحصر به فرد کتاب الهی اعجاز بیانی آن می باشد. تاثیر گذاری آیات الهی بیش از این که به جهت متنی مقدس بودن آن باشد، بجهت ماهیت شفاهی و زبانی داشتن آن است و این ویژگی در ساختار ظاهر و معانی والای آن به وضوح دیده می شود. تمامی ظرفیت ها و امتیازات کلام و سخن در این کتاب شریف قابل پیجویی و کنکاش می باشد. قرآن پژوهان و اندیشمندان سایر علوم با مطابقت علوم مکتسبه خویش از جمله بلاغت، معانی و غیره با آیات الهی گوشه ای از ظرایف و زیبایی های آن را شناسایی، استخراج و تدوین نموده اند. آنها زیباترین و کاملترین نوع صنایع ادبی اعم از معانی و بیان و صنایع مربوط به لفظ و معنا و مسائل مربوط به آنها را در این کتاب شریف یافته اند.

از جمله پرکاربردترین مولفه های زیبایی شناختی کتاب الهی از جنبه لفظ و معنا و تاثیر بر مخاطبین، خطابات استفاده شده در آن می باشد. کاربرد خطابات در قرآن آنقدر متنوع می باشد که عده ای بر این عقیده اند که زبان قرآن کریم زبانی خطابی است و حتی عقیده دارند که این زبان به دلیل خطابی بودنش بیشترین و مهمترین تاثیر گذاری را بر مخاطبین و شنوندگان دارد. (شاهسوندی و خانه زاد، ۱۳۹۱).

زیبایی شناختی و کیفیات و تاثیرات حاصل از آن از جزء جزء قرآن کریم قابل احساس و ادراک می باشد. در این تحقیق که با اتکا به آیات الهی و مفهوم و منطوق آنها انجام شد این نتیجه حاصل شد که خطابات مستعمله در این کتاب یکی از مهمترین نمونه های بارز زیبایی و زیباشناختی را شامل می شوند و اوج فصاحت و بلاغت در این خطابات قابل احساس و ادراک زیباشناسانه می باشد، از جمله در آیه: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَفْلِعِي وَغِيضَ الْأَمَاءِ» (هود: ۴۴)، یا «یا نارُ کُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء: ۶۹)، با خطاب به اشیاء بی جان و فرمان به آنها چه از نظر لفظ و چه از نظر معنا بدور از هر گونه تنافر و دزدگی بسیاری از صنایع زیبای سخن را به تصویر کشیده و احساسات و ادراکات دلپذیری را به مخاطب منتقل نموده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، (۱۳۷۳) دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
۲. آمدی، عبدالواهد بن محمد، (۱۴۱۰ق) غررالحکم و در الکلم، دار الکتب الإسلامی، قم.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق) مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام هارون، دفتر تبلیغات اسلامی، تهران.
۴. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، (۱۳۹۳) تأویل مشکل القرآن، شرح و تحقیق از السید احمد، دار التراث، قاهره.
۵. ابن منظور مصری، محمد بن مکرم، (۱۴۲۶ق) لسان العرب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. احمدی، حبیب الله، (۱۳۷۶) پژوهشی در علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق) انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۴۷۱ق) دلائل الإعجاز فی علم المعانی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۹. خرقانی، حسن، (۱۳۹۱) قرآن و زیبایی شناسی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۱۰. خطابی، ابوسلیمان حمد بن ابراهیم، (۱۹۶۸ق). بیان اعجاز القرآن از مجموعه ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، دارالمعارف، مصر.
۱۱. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۰ق) البرهان فی علوم القرآن، المكتبه العصریه، بیروت.
۱۲. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق) تفسیر کشف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب عرب، بیروت.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۷۶) الاتقان فی علوم القرآن، مترجم سید مهدی حائری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۴. شاهسوندی، شهره، خانه زاد، امید، (تابستان ۱۳۹۱) زبان شناسی خطاب در قرآن، نشریه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۰.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷) تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰) مجمع البیان فی تفسیر قرآن، انتشارات فراهانی، قم.
۱۸. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران.
۱۹. عرفان، حسن، (۱۳۷۹) اعجاز در قرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
۲۰. علوی مقدم، سید محمد، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲) چند نکته بلاغی از قرآن کریم، نشریه کیهان اندیشه، شماره ۴۷.
۲۱. عمید، حسن، (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی عمید، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۲. فراء، ابوزکریاء یحیی بن زیاد، (۱۹۷۲م) معانی القرآن، تحقیق دکتر عبدالفتاح اسماعیل شلبی، الهيئة المصریة العامیة لکتاب، مصر.
۲۳. فضیلت، محمد، (۱۳۸۶) زیبایی شناسی قرآن، انتشارات سمت، تهران.
۲۴. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق) تفسیر الصافی، چاپ دوم، انتشارات الصدر، تهران.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق) المصباح المنیر، چاپ دوم، دارالهجره، تهران.
۲۶. قاضی عسگر، صدیقه، (۱۳۹۶) تحلیل خطاب های یا ایها الذین امنوا با تأکید بر آموزه های اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۲۷. محسنیان راد، مهدی، آشنا، حسام الدین، (تابستان ۱۳۹۰) مخاطبان در متن در سه کتاب مقدس، مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۵۳.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۷) میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲۹. معماری، داود، غلام زاده، زهرا، (زمستان ۱۳۹۲) اسلوب خطاب و نقش آن در تبیان معارف قرآنی، پژوهش های ادبی - قرآنی، شماره ۴.
۳۰. معمر بن مثنی، ابو عبیده، (۱۳۸۱) مجاز القرآن، تحقیق دکتر محمد فواد سزگین، مکتبه الخانجی، قاهره.
۳۱. نجفی، محمد جواد، (۱۳۹۸) تفسیر آسان، انتشارات اسلامیه، تهران.
۳۲. نساجی زواره، اسماعیل، (مرداد ۱۳۸۱) نداها و خطاب های الهی در قرآن، مجله درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۵.

